

بررسی فهم مخاطبان عصر نزول از آیات علمی تطور جنین*

فتحیه فتاحی زاده** و آذر زمانی***

چکیده

از جمله آیاتی که امروز آن را مصداق اعجاز علمی قرآن می‌دانند، آیات مرتبط با تطور جنین انسان؛ خصوصاً آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مومنون است. تطور جنین مراحل مختلف شکل‌گیری جنین در رحم است که تا قرن نوزده میلادی برای دانشمندان غیر مسلمان ناشناخته بود. این پژوهش به شناخت فهم مسلمانان صدر نزول به عنوان اولین مخاطبان قرآن کریم از آیات تطور جنین در سوره مومنون (دامنه تحقیق)، متناسب با محدوده زمانی حیات پیامبر اکرم ﷺ، به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیل منطقی محتوا پرداخته است. نوشتار حاضر این مهم را تذکر می‌دهد که فهم و معرفت بدون رجوع به فهم پیامبر اکرم ناقص است. زیرا بدیهی است که فهم مسلمانان عصر نزول، از این آیات لسانی بود و فهم دانشمندان قرون بعد، علاوه بر زبان عربی، بر اساس یافته‌های تجربی نیز شکل گرفت، اما هر دو برای فهم بهتر خصوصاً در عبارت «ثم أنشأنا خلقاً آخر» نیاز به فهمی دقیق دارند که تنها با اتکا به زبان عربی به دست نمی‌آید. با توجه به اینکه برخی از نتایج به دست آمده، این است که بعد معرفت ایمانی این آیات نسبت به بعد علمی آن برای مخاطبان اولی قرآن کریم برجسته‌تر بوده است.

واژگان کلیدی: تطور جنین در قرآن، عصر نزول، روش‌های فهم، اعراب عصر نزول

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۶/۱۷.

** استاد دانشگاه الزهرا (س) / (نویسنده مسئول) f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا / (نویسنده اول) azamani832@gmail.com

مقدمه

جنین از ریشه «ج ن ن» به معنای موجود پوشیده از نظر است (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲: ۱/۲۰۳) وجه تناسب آن با انسان قبل از تولد نیز قرار گرفتن در رحم و غیر قابل مشاهده بودن می‌باشد. اطلاق نام جنین بر انسان تنها یک بار و به صورت جمع در قرآن کریم آمده است: ﴿هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ﴾ (نجم/ ۳۲)؛ «او به شما آگاه‌تر است، هنگامی که شما را از زمین پدید آورد و هنگامی که جنین‌هایی در رحم مادرائتان بودید». هم‌چنین، ۱۷ آیه وجود دارد که به مراحل مختلف خلقت انسان در دوران جنینی اشاره دارد. البته چگونگی اولین مرحله پیدایش میان انسان و تمامی موجودات یکسان و از طریق نطفه صورت می‌گیرد: ﴿وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ * مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ﴾ (نجم/ ۴۵ و ۴۶) «و اوست که خلق را جفت نر و ماده آفریده است. از نطفه‌ای آفریده که می‌ریزد».

پزشکان قبل از کشف میکروسکوپ در قرن شانزدهم، و در طول قرن هفدهم معتقد بودند که انسان در مرحله نطفه به صورت انسانی مینیاتوری بوده است. این اعتقاد در غیر مسلمانان تا قرن هجدهم میلادی هم‌چنان ادامه داشت. بعد از کشف تخمک، نظر دانشمندان تغییر کرد و گفتند: انسان به‌طور کامل در تخمک زن آفریده شده زیرا که تخمک بزرگ‌تر از اسپرم مرد است و نقش مرد در خلقت جنین کنار رفت، هم‌چنان‌که در قرن هفدهم نقش زن کنار رفته بود. تنها در نیمه قرن نوزدهم بود که دانشمندان به تدریج دریافتند که انسان طی اطوار و مراحل آفریده می‌شود (بی‌آزار شیرازی، جنین‌شناسی قرآن و مسلمان شدن چند پروفیسور جنین‌شناسی، ۱۳۹۳: ۴۵). این در حالی بود که نوزده قرن قبل از این کشف، قرآن کریم شکل‌گیری و رشد جنین انسان را بیان کرد، پرده برداری از حقیقتی که با میزان دانش و نوع ابزارهای پزشکی آن دوران هرگز قابل دستیابی نبود. به همین دلیل، بعدها از این آیات با عنوان مصداقی از اعجاز علمی قرآن کریم یاد کردند.

پژوهش حاضر به بررسی «فهم مسلمان عصر نزول از آیات تطور جنین (۱۲ تا ۱۴ سوره مومن)» به روش تحلیل منطقی محتوا پرداخته است. میزان پرسش‌ها و نوع سوالاتی که مسلمانان ذیل این آیات از رسول خدا پرسیده‌اند، میزان اهمیت و تمرکز ایشان به مسائل را

نشان می‌دهد و اختلاف توجه مخاطبان قرآن کریم به مسائل مطرح شده در آیات، در دوره های مختلف را مشخص می‌کند. روشن است که اعراب آن دوران فاقد تجهیزات خاص پزشکی بودند. پس، این آیات از جهت «کشف آن چه نمی‌دانستند به کمک علوم تجربی و یا هنر تطبیق‌سازی» برای ایشان مایه شگفتی نبود بلکه تنها از طریق فهم زبانی به معرفتی جدید دست یافتند که به خداوند به عنوان برترین خالق ایمان آوردند.^[1]

پیشینه

در جستجوهای صورت گرفته برای یافتن سایر تحقیقات مرتبط با فهم آیات تطور جنین، آثار متعددی با نگاه اعجاز علمی در قرآن نگاشته شده است. مانند:

- اعجاز علمی قرآن در آیات مربوط به مراحل خلقت جنین انسان، مریم طاهری‌زاده، همایش منطقه‌ای سلامت پژوهی در قرآن کریم، ۱۳۸۹ ش.
- مقایسه مراحل تکامل جنین انسان از دیدگاه قرآن، حدیث و علم جنین شناسی، زهره کامکار؛ شهناز رضوی؛ محمدهادی امین ناجی، مجله پژوهش‌های علم و دین، دوره اول، شماره دو، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ ش، صفحه ۱۳۹-۱۵۹.
- جنین‌شناسی از دیدگاه قرآن و علم بیوتکنولوژی، احسان مرادی، فاطمه مرادی، هشتمین همایش بیوتکنولوژی جمهوری اسلامی ایران و چهارمین همایش ملی امنیت زیستی، ۱۳۹۲ ش.

با وجود این تحقیقات گسترده اما درباره میزان فهم اعراب عصر نزول یا همان مخاطبان ابتدایی از این آیات، پژوهشی صورت نگرفته است.

اسباب نزول آیات

علم به سبب نزول آیه در فهم صحیح و بهتر آیه مؤثر است. بنابراین، قبل از ورود به بررسی فهم اعراب عصر نزول از آیات تطور جنین، باید به این سؤال پاسخ داد که چه عامل یا عواملی موجب نزول این آیات شد؟ سبب نزولی که برای این چند آیه ذکر شده، با تفاوت‌هایی در تعبیر، محتوای نزدیک به هم دارد که چنین است: از انس بن مالک نقل شده که عمر بن خطاب گفت: در چهار مورد با پروردگارم موافقت نمودم. گفتم ای رسول خدا چه می‌شد که پشت

مقام ابراهیم نماز می خواندیم؟ پس خداوند این آیه را نازل کرد: ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ (بقره/ ۱۲۵). بار دیگر گفتم: کاش برای زنان حجابی می گرفتی، نیکوکار و ستم‌کار آنان را می بیند. پس آیه ﴿وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعاً فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾ (احزاب/ ۵۳) نازل شد. هنگامی که به همسران پیامبر گفتم: یا از خواسته خود دست بردارید یا خداوند سبحان همسرانی بهتر از شما به او عوض دهد. پس خداوند ﴿عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ﴾ (تحریم/ ۵) را نازل کرد. و هنگامی که این آیات نازل شد: ﴿وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ... ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾ (مؤمنون/ ۱۲-۱۴) من گفتم: فتبارک الله أحسن الخالقین. بعد از آن همین عبارت «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» نازل شد^[۲] (واحدی نیشابوری، اسباب النزول القرآن، ۱۴۱۱: ۳۲۳). در نقل دیگری آمده است: وقتی پیامبر ﷺ این آیات را تا عبارت ﴿فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾ تلاوت نمود، عمر با شنیدن آن فوراً گفت: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» و رسول خدا فرمودند: ای عمر! چنین که گفتمی نازل شده است (بلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱۲۳/۳). این عبارت در صورت صحیح بودن پیامی لطیف به همراه دارد (با مسامحه می توان این پیام را درباره اسباب نزول ابتدایی نیز به کار برد). که انسان در صورتی از یک رویداد شگفت زده خواهد شد که یا با چشم آن را مشاهده کند یا به قدری دقیق و هنرمندانه توصیف شود که گویا مخاطب آن را با چشم خود مشاهده می کند. در این جا نیز مراحل خلقت انسان، به گونه ای وصف شده که شنونده عرب، عبارتی در نهایت بلاغت و ادب، متناسب با الفاظ و معنای جملات بیان شده، عبارتی را برای ستایش خالق به کار می بندد؛ البته این منافاتی با معجزه بودن کلام الهی نخواهد داشت؛ چیزی که بعدها در علم بلاغت آن را تسهیم^[۳] و یا توشیح^[۴] نام نهادند. چرا که واژه های کلام، پایان سخن را نمایان می کنند (عرفان، اعجاز در قرآن کریم، ۱۳۷۹: ۸۹) و قالب و سیاق سخن فی حد ذاته چنین ذیلی را می طلبد؛ که اگر متکلم از گفتار باز ایستد، خود مستمعین، ذیل آن را زمزمه نمایند. زیرا کلام طوری طرح ریزی شده که خود دلالت بر ذیلش داشته باشد و این نوع کلام از عجایب بیان و بدایع سخن است (معرفت و مولایی نیا، تناسب آیات و سوره، ۱۳۷۳: ۵۴). بنابراین، فصاحت و بلاغت این آیات به تنهایی برای شگفت زده کردن مخاطبان اولیه که عرب بدوی بودند و هنوز زبان شان دچار اختلاط نشده بود، کفایت می کرد و نیازی به روایت

برای روشن ساختن مفهوم آیات نبود. نقل است که بعضی از صحابه قبل از این که انتهای آیه ای را بشنوند، آن را قرائت می کردند. برای مثال، از زید بن ثابت آمده که رسول اکرم ﷺ این آیه را بر من املا نمود: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ... خَلْقًا آخَرَ﴾ در این جا معاذ بن جبل گفت: ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ پس رسول خدا خندید. معاذ گفت: ای فرستاده خدا برای چه می خندی؟ ایشان جواب داد: همان گونه که خواندی، آیه تمام می شود. هم چنین حکایت شده که روزی یک اعرابی چنین شنید: ﴿فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ﴾ (بقره/ ۲۰۹) (فاعلموا أن الله غفور حكيم)، در حالی که هیچ گاه قرآن نخوانده بود. پس گفت: اگر قرار باشد این عبارت سخن خداوند باشد، چنین نمی گوید؛ زیرا حکیم هنگام لغزش از آمرزش سخن نمی گوید بلکه باید «غفور رحیم» باشد (سیوطی، الاتقان، ۱۴۲۱: ۱۹۶/۲).

در نقل دیگری آمده است، هنگامی که پیامبر ﷺ این آیه را املا می کرد، عبدالله بن سعید بن ابی سرح (یکی از کاتبان وحی) از تفصیل خلقت انسان تعجب کرد و گفت: ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾. رسول خدا فرمود: آن را بنویس که همین گونه نازل شده است. در این جا عبدالله دچار شک شد و گفت: اگر محمد راست می گوید، به من نیز همانند آن چه به او نازل شده، نازل می شود. اگر هم دروغ بگوید، من نیز چیزی همانند او گفته ام. در نتیجه از اسلام بازگشت، مرتد شد و به مشرکین پیوست (ابن طاوس، عین العبره فی غبن العتره، بی تا: ۶۵).

بنابراین، چون روایاتی در دست نداریم که علت نزول این آیات را بیان کند، آیه های مذکور سبب نزول مستقلی ندارد بلکه همانند بسیاری از آیات شأن نزول عام دارد.^[۵] پس می توان گفت، اعراب درباره شکل گیری و رشد جنین با مسئله خاصی مواجه نبودند، اما خداوند با بیان شگفتی های امری که برایشان عادی به نظر می رسید، آنان را در مقابل برتری خالقیت خود به اقرار وا داشت.

شیوه های فهم اعراب عصر نزول از آیات قرآن کریم

۱۶۷ می توان گفت اعراب عصر نزول به عنوان اولین مخاطبان قرآن کریم سه شیوه عمده برای فهم آیات قرآن کریم داشتند که همان سه روش برای فهم آیات تطوّر جنین بررسی می شوند. اول) قرآن کریم به زبان عربی نازل شده است. بنابراین، اعراب به عنوان اولین مخاطب این کلام با شنیدن آیات علاوه بر توجه به جنبه های فصاحت و بلاغت، درک اولیه ای از معنای آیه

به دست می‌آوردند (فهم لسانی). دوم) فهم آیات به کمک سایر آیات قرآن؛ ممکن است قبل از نزول آیه‌ای، آیات با محتوای مشابه نیز نازل شده باشند. بنابراین، توجه به آیات هم‌محتوا نیز به فهم مسلمانان صدر نزول کمک می‌کرد. این همان چیزی است که بعدها تفسیر قرآن به قرآن نامیده شد (فهم قرآنی). سوم) فهم آیات به کمک سخنان پیامبر؛ زیرا بعد از نزول آیات قرآن کریم، رسول خدا ﷺ به تبیین آیات می‌پرداختند و گاهی مسلمانان درباره آیات سوالاتی از ایشان می‌پرسیدند (فهم روایی).

الف) فهم لسانی

روایاتی وجود دارد، مبنی بر این‌که برخی از صحابه معنای واژه‌ای را نمی‌دانستند و برای فهم شماری از آیات، به اشعار عرب مراجعه می‌کردند یا از اعراب بادیه نشین معنای بعضی واژه‌ها را می‌یافتند. اما این ابهامات در مورد تمامی واژه‌های قرآن رخ نمی‌داد. یعنی مسلمانان معنای اغلب واژه‌ها را می‌دانستند و تنها تعداد کمی از لغات و آیات برایشان مبهم بود. البته این واژه‌های مبهم و غریب قرآن در آثار ادبی اشعار عرب استعمال داشت، ولی به دلایلی هم‌چون عادات، سوابق ذهنی، تحولات احتمالی در زبان و جز آن در نظر مسلمانان پیچیده جلوه کرد (دامن‌پاک مقدم، بررسی عرفی بودن زبان قرآن، ۱۳۸۰: ۲۰۱). در آیه مورد بررسی، واژه غریبی وجود ندارد، تنها با بررسی واژگان کلیدی مراحل خلقت و رشد جنین که عبارتند از نطفه، مضغه و علقه باید دید عرب آن دوران که فاقد تجهیزات پزشکی بود این تصور را چگونه درک کرد. آیا فهم او با مشاهدات امروزی از تطور جنین شباهت داشته یا نه. در این جا توجه به این نکته ضروری است که آگاهی از امری به صورت کلی هرچند عین مشاهده تجربی نباشد، اما از آن کفایت می‌کند. برای مثال هنگامی که خداوند معجزات انبیای گذشته یا بهشت و جهنم یا موافق قیامت را توصیف می‌کند، مخاطب، یک علم کلی نسبت به موصوف به دست می‌آورد و در خیال خود آن را تصور می‌کند، هرچند تصورش می‌تواند همراه با نقایصی باشد. بنابراین، توصیف ادبی آیات از تطور جنین برای همگان یک معرفت کلی ایجاد می‌کند و قرار نیست مخاطب در هر عصری عین همان چیزی را درک کنند که امروزه با استفاده از دستگاه‌های پزشکی قابل مشاهده است. علاوه بر این، آن‌چه انسان‌های کامل مانند رسول خدا ﷺ از این آیات درک کرده‌اند، فراتر از مشاهده‌های علمی و پزشکی است.

نطفه از ریشه «ن ط ف»، آبی است که فرزند از آن تشکیل می‌شود (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰: ۴۳۷/۷). علقه، به خون جامد قبل از این که خشک شود علق گفته می‌شود، یعنی قطعه‌ای خون است. هم‌چنین، علقه جنینده‌ای سرخ رنگ در آب است. معلوق به کسی می‌گویند که زالو به گلو و حلق او چسبیده باشد (همان، ۱/۱۶۱). پس می‌توان علقه را لخته خون آویزان دانست. در علم پزشکی واژه علقه توضیح مرحله چسبیدن اسپرم به تخمک است. از نظر مفسران جدید که قرآن را تفسیر علمی می‌کنند، علقه به تخمک بارور شده یا جنین در حال نمو اطلاق می‌شود که خود را به جدار رحم چسبانده و برای ادامه نمو خود، برخی رگ‌های رحم را پاره کرده و لخته ایجاد می‌کند و از این طریق در جدار رحم جایگزین می‌شود (سجادی، معنائشناسی تطبیقی واژه علقه در قرآن، ۱۳۹۱: ۹۸). در مشاهدات آزمایش‌گاهی علقه عبارت است از یک قطعه گوشت بلند مانند انگشت، شبیه به کرمی کوچک که در آب زندگی می‌کند و آن را علقه می‌نامند و بیابان نشینان آن را می‌شناسند. هرگاه چارپایی مثل گاو یا شتر آب بنوشد، داخل دهانش می‌شود و به زبان‌شان می‌چسبند. در واقع این کرم‌ها وارد آب می‌شوند و راه می‌روند، همراه آب وارد دهان حیوان شده و به زبان‌شان آویزان می‌شوند، در نتیجه تا وقتی آن را خارج نکنند، حیوان نمی‌تواند چیزی بخورد تا این که بمیرد.

علقه انسان به مدت چهل روز باقی می‌ماند و بعد از گذشت چهل روز دیگر به مضغه تبدیل می‌شود. مضغه قطعه‌ای گوشت است. چنان‌که قلب انسان نیز تکه‌ای گوشت یا مضغه‌ای از جسدش می‌باشد. هم‌چنین به هر گوشتی که از علقه خلق شود، مضغه می‌گویند، و به هر گوشتی که بین آن و چیزی دیگر رگی فاصله انداخته باشد، مضیغه می‌گویند (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰: ۳۷۰/۴). مضغه مانند لقمه‌ای است که شخص آن را با دندان‌هایش جویده و خارج کرده است و این آثار با دقت در مضغه انسان قابل مشاهده است. گفته شده مضغه، پایه ستون فقرات انسان است و شکلی خمیده (پیچ خورده) و نشانه‌هایی به صورت نوک تیز به بالا و پایین دارد. پس انسان روزی به شکل مضغه بوده است. این مضغه به استخوان‌ها تبدیل می‌شود و خداوند بر این استخوان‌ها گوشت و عضلات را می‌پوشاند. در اصل شکل‌گیری انسان با این خلقت انجام می‌شود (www.islamweb.net).

بنابراین، عرب زبان عصر نزول با شنیدن این دو آیه از ترکیب تمام کلماتی که برایش شناخته شده بود (نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم)، تصویری از خلقت انسان در ذهنش شکل گرفت که تا پیش از این اطلاعی از آن نداشت (البته اگر فهم لسانی را مختص به این آیه در نظر بگیریم. زیرا آیاتی که قبل از این سوره نازل شده و به مراحل خلقت و رشد جنین انسان پرداخته‌اند، هر یک سهمی در فهم لسانی اعراب عصر نزول داشته‌اند). او نطفه‌ای را که حاصل منی بود، به صورت لخته‌ای خون آویزان، تکه گوشت جویده شده، یک تکه استخوان، و در نهایت استخوانی که روی آن را گوشت پوشانده، تصور کرد و آن را به عنوان نشانه‌ای از قدرت خلقت خداوند پذیرفت.

ب) فهم قرآنی

منظور از فهم قرآنی این است که، قبل از نزول سوره مومنون، سوره‌های دیگری نیز به مسئله تطور خلقت انسان توجه کرده‌اند و این‌گونه نبود که عرب عصر نزول به کلی بیگانه از این مراحل بوده باشد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد، در ۱۷ سوره به این مسئله اشاره شده که در ذیل به ترتیب نزول مرتب سازی شده‌اند^[۶].

۱- ﴿وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ * مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ﴾ (نجم/ ۴۵ و ۴۶)؛ «همو که زوج‌ها را مذکر و مؤنث آفرید * و این خلقت از نطفه‌ای است که در رحم فرو ریخته می‌شود» (ترتیب نزول: ۲۳).

۲- ﴿قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ * مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ * مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ﴾ (عبس/ ۱۷-۱۹)؛ «ای مرگ بر انسان کافر و ناسپاس که نسبت به این حق بزرگ انکار می‌ورزد! * مگر خداوند او را از چه چیز آفریده است؟ * او را از نطفه‌ای آفرید و سپس به او تکامل جسم و روح بخشید و زندگی او را با تقدیر الهی سامان داد» (ترتیب نزول: ۲۴).

۳- ﴿أَلَمْ يَكْ نُطْفَةً مِنْ مَنِي يَمَنِ ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ * فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ﴾ (قیامت/ ۳۷)؛ «آیا او از نطفه‌ای که [در رحم مادر] ریخته شده به وجود نیامده؟ * سپس نطفه به صورت خون بسته در آمد و آن‌گاه خداوند به او شکل و تناسب اندام بخشید * و از او، زوج مذکر و مؤنث خلق فرمود» (ترتیب نزول: ۳۱).

۴- ﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ﴾ (مرسلات/ ۲۲-۲۰) ؛ «آیا ما شما آدمیان را از یک قطره آب پست و بی‌اهمیت نیافریدیم؟* سپس نطفه را در قرارگاه امن رَحِمِ مادرها قرار دادیم* تا زمان تقدیر شده برای تولد» (ترتیب نزول: ۳۳).

۵- ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِن مَّاءٍ دَافِقٍ يُخْرَجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ﴾ (طارق/ ۵-۷)؛ «انسان باید بنگرد و بیندیشد که از چه چیز آفریده شده* از یک آب جهنده آفریده شده* آبی که از پشت پدر و از بین استخوان‌های سینه مادر بیرون می‌آید» (ترتیب نزول: ۳۶).

۶- ﴿أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ عِجِّي الْعِظَامُ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾ (یس/ ۷۷-۷۹)؛ «آیا انسان نیندیشیده است که ما او را از نطفه‌ای ناچیز آفریدیم؟ و سپس او تبدیل به چون و چرا کننده‌ای گستاخ و علنی درباره ذات پاک آفریدگار خود شد* و برای ما مثال آورد که نشان می‌داد خلقت خودش به وسیله خداوند را از یاد برده است و گفت: «پس از مرگ چه قدرتی می‌تواند استخوان‌های پوسیده را دوباره خلق و زنده کند؟»* [ای پیامبر!] بگو: «همان ذات قادری که نخستین بار آن‌ها را آفرید، مرده را هم زنده می‌کند و خداوند به قدرت علم و اسعه بر هر خلقتی که اراده فرماید توانایی دارد» (ترتیب نزول: ۴۱).

۷- ﴿وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا﴾ (فاطر/ ۱۱)؛ «خداوند [پدر] شما [آدم] را از خاک آفرید و سپس فرزندان او را از نطفه آفرید و برای شما انسان‌ها جفت قرار داد» (ترتیب نزول: ۴۳).

۸- ﴿يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ﴾ (زمر/ ۶)؛ «او شما را در رحم‌های مادرانتان خلق می‌فرماید. آفرینشی بعد از آفرینش دیگر [نطفه، علقه مضغه] و در تاریکی‌های سه‌گانه» (ترتیب نزول: ۵۹).

۹- ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا﴾ (غافر/ ۶۷)؛ «آفریدگار جهان‌ها آن ذات اقدسی است که شما انسان‌ها را نخست از خاک آفرید، [حضرت آدم] و سپس خلقت بعدی انسان با نطفه و علقه بود. سپس شما را به صورت طفلی از رحم مادرهاتان خارج می‌سازد» (ترتیب نزول: ۶۰).

- ۱۰- «قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا» (کهف/ ۳۷)؛ دوستش چون سخنان او را شنید به او گفت: «آیا به آن خداوند یکتایی که تو را از خاک و سپس از نطفه آفرید و سرانجام تو را به صورت مردی پدیدار فرمود شرک می‌ورزی؟» (ترتیب نزول: ۶۹).
- ۱۱- «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ» (نحل/ ۴)؛ «خداوند انسان را از نطفه‌ای [ناچیز] آفرید و این مخلوق تبدیل به دشمنی آشکار شد» (ترتیب نزول: ۷۰).
- ۱۲- «مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا * وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» (نوح/ ۱۴)؛ «چرا شما به عظمت مقام آفریدگار خود پی نمی‌برید؟ در حالی که شما را طیّ مرحله‌های گوناگون آفریده و تکامل بخشیده است» (ترتیب نزول: ۷۱).
- ۱۳- «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون/ ۱۲-۱۴)؛ «به واقع ما انسان را از تبار خاک آفریدیم بعدها خلقت انسان به واسطه نطفه‌ای که آن را در رحم مادر قرار دادیم به وقوع پیوست. سپس نطفه را به صورت خون بسته درآوردیم و بعد خون بسته را تبدیل به جنین کردیم و سپس از گوشت نرم جنین استخوان پدید آوردیم و آنگاه بر آن استخوانها گوشت پوشانیدیم سپس با الحاق روح به جسم، خلقتی کامل آفریدیم: منشأ برکات است خداوند، آن خالق یگانه و بی‌همتا» (ترتیب نزول: ۷۴).
- ۱۴- «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ» (سجده/ ۸)؛ «فرزندان او را از عصاره آبی ناچیز خلق فرمود» (ترتیب نزول: ۷۵).
- ۱۵- «هُوَ الَّذِي يَصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ» (آل عمران/ ۶)؛ «اوست که شما [آدمیان] را هر گونه که اراده فرماید، در رحم مادرها صورت‌گری می‌کند» (ترتیب نزول: ۸۹).
- ۱۶- «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا»؛ «ما او را از آمیزه [نطفه مرد و تخمک زن] خلق فرمودیم و برای آزمون، به او قدرت شنوایی و بینایی عنایت کردیم» (ترتیب نزول: ۹۸).

۱۷- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّحَلَّقَةٍ لِّبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا﴾ (حج/۵)؛ «ای مردم! اگر درباره رستاخیز و برانگیخته شدن پس از مرگ، شک و تردید دارید پس به این توضیح دقت کنید: ما نوع نخستین شما (آدم) را از خاک آفریدیم و شما را از نطفه: نطفه تبدیل به خون بسته شد و بعد به صورت پاره گوشتی نرم در آمد، بخشی از آن بدون شکل و بخش دیگر دارای شکل. این تشریح مراحل برای این است که برای شما قدرت خود را در خلقت و نیز بازآفرینی بیان فرماییم. برخی از جنین‌ها را در رحم مادرها تا مدت معین [نُه ماه] ثابت نگاه می‌داریم، آن‌گاه شما را به صورت طفل از رحم مادر بیرون می‌فرستیم» (ترتیب نزول: ۱۰۴).

بررسی آیه‌های این جدول سیر فهم مسلمانان عصر نزول از کیفیت تطور جنین را به خوبی مشخص می‌کند. اولین سوره‌ای که به این مسئله پرداخته، می‌گوید شما نطفه‌های حاصل از منی بودید (سوره نجم، ترتیب نزول/۲۳) [البته اگر واژه «علق» در سوره علق به معنای علقه باشد، این سوره اولین سوره‌ای است که به مسئله خلقت جنین انسان اشاره کرده است] پس از آن مخلوقی علقه نام‌شده (سوره قیامت، ترتیب نزول/۳۱) که تا مدت معینی درون رحم به سر می‌بردید (سوره مرسلات، ترتیب نزول/۳۱). قابل توجه است که گاه بازگشت‌هایی با توصیف بیشتر صورت می‌گیرد: نطفه از میان صلب و ترائب خارج می‌شود (سوره طارق، ترتیب نزول/۳۶). آفرینش انسان درون رحم مرحله‌ای دارد و خلقت جنین در سه نوع تاریکی اتفاق می‌افتد (سوره زمر، ترتیب نزول/۵۹). سپس تمامی مراحل را کنار یک‌دیگر قرار می‌دهد: نطفه درون رحم قرار می‌گیرد، به علقه تبدیل می‌شود و علقه به مضغه مبدل می‌شود، مضغه نیز به استخوان تغییر شکل می‌دهد و بعد از مدتی روی استخوان‌ها گوشت پوشانده می‌شود. از این‌جا به بعد خلقتی دیگر به وجود می‌آید و پس از تمام این مراحل عبارت ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ قرار می‌گیرد (سوره مومنون، ترتیب نزول/۷۴). بعد از این سوره نکات جدیدتری که برای مراحل تطور جنین ذکر شده، مسئله صورت‌بندی جنین در رحم (سوره آل عمران، ترتیب نزول/۸۹)، امشاج بودن نطفه انسان (سوره انسان، ترتیب نزول/۹۸) و مخلقه و غیر مخلقه بودن مضغه (سوره حج، ترتیب نزول/۱۰۴) می‌باشد. بنابراین، تا قبل از نزول سوره مومنون، اعراب از نطفه و ارتباط آن با منی و نیز از تبدیل نطفه به علقه آگاهی داشتند. به

ویژگی‌های منی به عنوان «ماء مهین» و «ماء دافق» و منشأ آن شناخت داشتند. لازم به ذکر است، برخی از ویژگی‌های ذکر شده در آیات برای خلقت انسان قابل مشاهده با چشم غیر مسلح است که قسمتی از آگاهی عرب عصر نزول از همین راه بود، اما در مورد قسمتی که قابلیت مشاهده عینی نداشت مانند مراحل درون رحم باید گفت: آگاهی عرب از نوع معرفت ایمانی بود؛ یعنی پذیرش یک خبر غیبی و تصدیق آن و ایمان به خالقیت خداوند، و این نوع آگاهی در میان مسلمانان صدر اسلام سابقه داشت. چنان‌که معجزات انبیاء گذشته و یا زنده شدن مردگان را نمی‌توانست ببیند، اما به وجود آن باور و به قدرت خداوند ایمان داشت.

ج) فهم روایی

در این قسمت روایاتی که ذیل آیات مورد بحث از رسول اکرم ﷺ نقل شده، جمع آوری و مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نتیجه، مشخص می‌شود که فهم مخاطبان اولیه قرآن از آیات تطور جنین تا چه میزان متأثر از روایات بوده است؟ از رسول خدا ﷺ نقل شده: «لیس من کل الماء یکون الولد» (ابن حنبل، المسند، ۱۴۱۶: ۱۹/۴۸۶). به این معنا که فرزند از جزیی از آب منی به وجود می‌آید نه تمام آن (البار، الوجیز فی علم الأجنه القرآنی، ۱۴۰۵: ۱۴؛ هم چنین ر.ک: قطب راوندی، فقه القرآن، ۱۴۰۵: ۲/۷۲). هم‌چنین ایشان در پاسخ فردی یهودی که می‌پرسد: انسان از چه چیزی خلق شده؟ به صراحت می‌فرماید: از نطفه مرد و نطفه زن به وجود آمده است (البار، الوجیز فی علم الأجنه القرآنی، ۱۴۰۵: ۱۷). در حدیث دیگری به سند مقابل آمده است: «وَعَنْ عَلِي بْنِ رِيَّاحٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ^{۱۷۱} أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ لَهُ مَا وُلِدَ لَكَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا عَسَى أَنْ يَشْبِهَ إِمًّا أَبَاهُ وَ إِمًّا أُمَّهُ فَقَالَ لَا تَقُولَنَّ هَذَا إِنَّ النُّطْفَةَ إِذَا اسْتَقَرَّتْ فِي الرَّحِمِ أَخْضَرَهَا اللَّهُ كُلَّ نَسَبٍ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ آدَمَ فَرَكَبَ خَلْقَهُ فِي صُورَةٍ مِنْ تِلْكَ الصُّورِ أَمَا قَرَأْتَ هَذِهِ الْآيَةَ فِي كِتَابِ اللَّهِ "فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ" مِنْ نَسَبِكَ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ آدَمَ» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۵۷/۳۸۵)؛ «وقتی نطفه در رحم قرار می‌گیرد، خداوند تمام نسب‌های بین این نطفه و حضرت آدم را جمع می‌کند. بعد خلقت آن نطفه را با هر شکلی از ایشان که بخواهد، ترکیب می‌کند. آیا این آیه را در کتاب خدا نخوانده‌ای: «در هر صورتی که بخواهد، تو را ترکیب می‌کند» (انفطار/ ۸) یعنی از همان نسبی که بین تو و حضرت آدم هست».

در حدیث دیگری از عبدالله بن مسعود^[۸] از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «إِنَّ خَلْقَ أَحَدِكُمْ يَجْمَعُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ يَكُونُ نُطْفَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ يَبْعَثُ إِلَيْهِ مَلَكًا فَيُؤَمِّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ فَيَكْتُبُ عَمَلَهُ وَ أَجَلَ وَ رِزْقَهُ وَ شَقِي أَوْ سَعِيدٌ ثُمَّ يَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ...»^[۹] (ابن ابی الجمهور، عوالی اللئالی العزیزیه، ۱۴۰۵: ۸۲/۱)؛ «هر یک از شما در شکم مادر خود چهل شب می ماند، سپس به همین میزان نطفه است. پس از آن به همین میزان مضغه است. سپس خداوند فرشته‌ای به سوی او می فرستد و او را به چهار کلمه مأمور می سازد. پس فرشته اعمال، میزان عمر، روزی و سعادت یا شقاوت او را می نویسد، سپس در او روح می دمَد.»

در این روایات، نکاتی بیان شده که بیشتر آن مربوط به نطفه و مسئله وراثت است. روایاتی که فاصله میان هر یک از مراحل را بیان می کند، مطالبی فراتر از آیات ندارد مگر این که فرشته‌ای در امر خلقت و رشد جنین واسطه است که با توجه به آن می توان گفت آیات تطور جنین نه از جنبه علمی بلکه از بُعد معرفتی مورد توجه مسلمانان عصر نزول قرار گرفت. البته این به معنای نادیده گرفتن بعد علمی نیست زیرا وقتی مسئله نطفه و وراثت در روایت مطرح می شود، قطعاً در مسائل و احکامی که برای مردم در مورد فرزندشان پیش می آمد و به پیامبر مراجعه می کردند، کاربرد داشت، اما جنبه معرفت‌ایمانی بر جنبه علمی غلبه داشت. ظاهراً مسلمانان عصر نزول مراحل تطور جنین از طریق فهم لسانی و قرآنی را به طور کلی درک کردند و سوال خاصی ذهنشان را درگیر نساخت.

نتیجه

فهم اعراب عصر نزول از آیات تطور جنین، بر اساس تصویرسازی ذهنی حاصل از فهم لسانی و فهم قرآنی صورت گرفت. اما درباره عبارت «ثم أنشأنا خلقاً آخراً» فهم روایی، بیشترین تاثیر را بر میزان درک مسلمانان صدر اسلام گذاشت. به عبارت دیگر، با توجه به این که این قسمت از دمیده شدن روح سخن می گوید، و اطلاع بشر از روح ناچیز است، تنها از طریق ارتباط با ائمه معصومین^{علیهم السلام} که جایگاه نزول علم الهی هستند، می توان فهم قابل پذیرشی از آیه به دست آورد.

با توجه به این که معنای کلمات نطفه، علقه، مضغه، عظام و لحم، با گذشت زمان تغییر نکرده است، فهم آیات تطور جنین ارتباطی با محیط و فرهنگ حاکم بر عصر نزول ندارد و مستقل از آن است. بنابراین، انسان عصر حاضر به شرط دستیابی به منابع لغت و ادب عرب، و توجه به آیات مرتبط با آیه سوره مومنون (به ترتیب نزول) به فهمی بسیار نزدیک و یا شبیه به فهم اعراب عصر نزول دست می‌یابد.

پی‌نوشت‌ها

[۱] منظور از ایمان آوردن این است که با توجه به آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي...﴾ (النساء/ ۱۳۶) همواره باید در جهت ارتقای ایمان قدم برداشت. بنابراین هر بار که انسان به معرفتی جدید دست می‌یابد باورهای صحیح او استوارتر و باورهای اشتباه او سست می‌گردد.

[۲] هر چند این عبارات در کتابی با عنوان سبب نزول آمده است اما اصل این است که نمی‌توان آن را به عنوان سبب نزول در نظر گرفت؛ زیرا از نظر ادبی انسان می‌تواند قسمت انتهایی عبارتی که وضوح آن معلوم است حدس بزند (چنانچه در ادامه مطلب آمده است). هم چنین دور از شأن فصاحت و بلاغت کلام خداوند است که عبارتی یک پارچه را کامل نازل نکند اما پس از آن که بندگان توانستند آن یک پارچگی را بگویند خداوند نیز همان را نازل کند، این امر نعوذ بالله به سرگرمی شبیه است تا بیان حقیقت و جد.

[۳] تسهیم یا ارضاد به این معناست که در کلام، واژه‌هایی به کار گرفته شود که پایان سخن را نشان دهد. در آیه مذکور نیز ابتدا بر انتها دلالت می‌کند (عرفان، اعجاز در قرآن کریم، ۱۳۷۹: ۹۰).

[۴] توشیح عبارت است از آنکه در ابتدای کلام معنایی باشد که پایان کلام هم به آن منتهی شود (مؤدب، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۷۹: ۱۵۶).

[۵] لازم به ذکر است روایات ذیل اسباب نزول این آیات تنها از منابع اهل سنت و از صحابه نقل شده است و آنچه از کتاب ابن طاوس نقل شد، همان‌گونه که در متن آمده، سبب نزول نیست. روایات منابع اهل سنت نیز به نقل از انس بن مالک، صحابی و خادم رسول

خداست که روایات بسیاری از پیامبر نقل کرده (الخفاجی، الامام الباقر واثره فی التفسیر، ۱۴۲۶: ۱۳۵). در برخی از روایت‌های نقل شده در منابع شیعی به دلیل کتمان حدیث غدیر و گواهی ندادن به آن، مورد لعن امام علی علیه السلام قرار گرفته است. هم‌چنین در روایتی از امام صادق علیه السلام، انس بن مالک جزء سه نفری ذکر شده که بر رسول خدا دروغ می‌بستند (خویی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۰۹: ۳/ ۲۴۰).

[۶] چینش سور بر اساس ترتیب نزول در کتاب الاتقان به نقل از جابر بن زید (سیوطی، العین، ۱۴۲۱: ۱/ ۱۱۰) و نیز در کتاب‌های تاریخی مورد اعتماد مانند تاریخ یعقوبی آمده است (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۳۳).

[۷] سند علی بن ریاح عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ تَنْهَا هَمِينَ يَكُ مَرْتَبَةً فِي كِتَابِ بَحَارِ الْأَنْوَارِ ذَكَرَ شَدَّهَ وَشَخَّصَ عَلِيَّ بْنَ رِيَّاحٍ فِي هَيْجٍ يَكُ مِنْ كُتُبِ رِجَالِ مَعْرِفَى نَشَدَهُ، اَيْنَ سَنَدٍ رَا مَجْلِسِي اَزْ كِتَابِ دَرَالْمَنْشُورِ اَوْرَدَهُ اِسْتِ اَيْنَ دَرِ حَالِي اِسْتِ اَكْهَ چنين روایتی در درالمنثور یافت نشد.

[۸] از اصحاب رسول خدا که کشتی واژه «خلط» را درباره‌اش به کار برده است. با این حال از دانشمندان بزرگ و از صحابه دارای فضل شمرده شده به همین دلیل سید مرتضی در شافی او را ستایش کرده و در مقابل مخالفین به روایات وی استدلال کرده است (خویی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۰۹: ۱۰/ ۳۲۲).

[۹] به نظر می‌رسد این حدیث بیشتر از نظر سعادت و شقاوت جنین مورد توجه باشد تا مراحل مختلف خلقت جنین، چنان‌که در ادامه حدیث آمده است: «فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلٍ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ وَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ حَتَّى مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا» هم‌چنین در این روایت مرحله «علقه» ذکر نشده، علاوه بر این عبارت «السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» یکی از مضامین منقول در مصادر حدیثی شیعه و اهل سنت است که با توجه به نقل‌ها و اسناد متعدد و اعتبار برخی از آن‌ها و تصریح محدثان اهل سنت چون عراقی و ابن حجر به صحت، می‌تواند موجب حصول اطمینان به صدور این مضمون شود (محمدی ری‌شهری، پژوهشی درباره حدیث، ۱۳۸۶: ۳).

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه طاهره صفاززاده، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.
۲. ابن ابی الجمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، تحقیق مجتبی عراقی، قم: دارالشهدا للنشر، ۱۴۰۵ق.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد، المسند لإمام احمد بن محمد حنبل، قاهره: دارالحديث، ۱۴۱۶ق.
۴. ابن طاوس، احمد بن موسی، عین العبره فی غبن العتره، قم: دارالشهاب، بی تا.
۵. البار، محمد علی، الوجیز فی علم الأجنه القرآنی، ریاض: دارالسعودیه، ۱۴۰۵ق.
۶. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار إحياء التراث، بیروت، ۱۴۲۳ق.
۷. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جنین شناسی قرآن و مسلمان شدن چند پرفسور جنین شناس، ۱۳۹۳ش، برگرفته از وبگاه: <http://ahlolbait.com/>
۸. الخفاجی، حکمت عبید، الإمام باقر و أثره فی التفسیر، بیروت: مؤسسه البلاغ، ۱۴۲۶ق.
۹. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواه، قم: دفتر آیت الله العظمی خویی، چاپ چهارم، ۱۴۰۹ق.

۱۰. دامن پاک مقدم، ناهید، بررسی عرفی بودن زبان قرآن، تهران: نشر تاریخ و فرهنگ، ۱۳۸۰ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۱۲. سجادی، سید ابوالفضل، آشناور، مهدی، معنانشناسی تطبیقی واژه علقه در قرآن و طب، مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، دوره اول، شماره دوم، ۱۳۹۱ش.
۱۳. سیوطی، جلال الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۱۴. عرفان، حسن، اعجاز در قرآن کریم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۶. القحطانی، سعید بن مسفر، دروس صوتی، برگرفته از وب‌گاه www.islamweb.net
۱۷. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، فقه القرآن تصحیح محمود مرعشی، قم: مکتبه آیت الله مرعشی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۹. محمدی ری‌شهری، محمد، پژوهشی درباره حدیث «السعید سعید فی بطن أمه...»، علوم حدیث، سال دوازدهم، شماره دوم، ۱۳۸۶ش.

۲۰. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی، چاپ

دوم، ۱۴۱۵ق.

۲۱. معرفت، محمدهادی؛ مولایی‌نیا، عزت‌الله، تناسب آیات و سور، قم: بنیاد معارف‌های

اسلامی، ۱۳۷۳ش.

۲۲. مؤدب، رضا، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت و بیست نفر از علمای بزرگ

اسلام، قم: أحسن الحديث، ۱۳۷۹ش.

۲۳. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب النزول القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه،

۱۴۱۱ق.